نقطه الکاف

محمد محیط طباطبایی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقطه الکاف (پژوهشی در تواریخ دو فرقه ازلی و بهائی)

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نقطه الکاف ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
پژوهشی در تواریخ دو فرقه ازلی و بهائی، کتاب براون و اشتباهات آنها و پاسخ به نقدها ----- ۶
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۹

نقطه الکاف

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد محیط طباطبایی

سایت بهائی پژوهی

بر گرفته از:

پژوهشی در تواریخ دو فرقه ازلی و بهائی، کتاب براون و اشتباهات آنها و پاسخ به نقدها

پس از انتشار مقاله «کتابی بی نام با نامی تازه» درباره تاریخ منسوب به حاجی میرزا جانی کاشانی و پیش از چاپ مقاله های مکمل آن درباره تاریخ جدید و تاریخ منسوب به نبیل زرندی برای برخی از فضلای نکته سنج در قم و اصفهان و تهران این حیرت دست داده بود که چرا این جانب در صدد تضعیف موقعیت (برون) برآمده و بدان نیندیشیده است که این امر برای طرف مخالف او تأیید ضمنی خواهد بود. بهائیان هم از اینکه کتاب نقطهٔ الکاف چاپ برون پس از نیم قرن مورد انتقادی قرار گرفته خشنود و در نتیجه پیروان صبح ازل از این بابت ناخشنود شدند. جمعی هم از برادران مذهبی در مرکز و شمال کشور اصولا طرح این موضوع را بجا ندانستند و بدین دست آویز که ذکر چنان مطلبی خاطره فراموش شده ای را دوباره به یاد می آورد، برعمل پژوهنده خرده گرفتند. به هر صورت چون غرض از نگارش مقاله فقط بحث کتاب شناسی و جلب توجه فضلای کتاب شناس به اشکالی بود که در کار اسم نقطهٔ الکاف و انتساب آن به حاجی میرزا جانی کاشانی وجود داشت، دیگر توجهی به مراعات مصالح و منافع و مضار این و آن نشد و از اینکه یکی را شاد و دیگری را ناشاد کرده باشد ابائی و پروائی نداشت. دوست فاضل سالخورده ای از طرفداران صبح ازل در آخرین دیداری که چند ماه پیش با او صورت گرفت مرا به عواقب نامطلوب این شکستن سد متین بیم داد و پیش خود چنین می پنداشت که نگارش این مقاله اعلی دیگر داشته اما چون کار پژوهش درباره تواریخ هر دو فرقه هنوز به پایان نرسیده و این امر مستلزم فراغت بال و سکوت و سکون حال موقت بود، او را به بحثی مناسب درباره همین مطلب به آینده نزدیک وعده دادم. این ناخشنودی و دغدغه خاطر طوری او را از خود به در برده و نسبت به نویسنده بدبین و بدگمان ساخته بود که برای اعلام این آزردگی از تسلیم اصل مکتوب شیخ علی عظیم رئیس فرقه بعد از باب به بابیان کاشان در سال ۶۸ و دعوت آنان برای امری مهم به حضور در تهران که تازه آن نامه را دست آورده بود دریغ ورزید تا از آن عکسی برداشته شود و سندی را که خود می پنداشت به خط میرزا حسینعلی بها باشد چون به او فهمانیده شد که از آن عظیم است و برگه اقدام دسته جمعی بابیان به پیشوائی حضرت عظیم و مشورت جناب بهاء، در سوء قصد به ناصرالدین شاه شمرده می شود، از بیم آنکه مبادا موضوع تتبعی تازه قرار گیرد، با خود برد و دیگر تا وقتی که دستش از این دنیای فانی کوتاه شد، امکان تجدید دیدار و رفع آزردگی خاطر او و تحصیل نسخه ای از نامه عظیم به بابیان کاشان، میسر نگردید. مقارن این ملاقات و اظهار ناخرسندی و رنجش فاضل مزبور خبر شدم که انتقادی از مندرجات مقاله ی اول نگارنده به قلم آقای احمد خزان به دفتر مجله رسیده و در صدد انتشار آن پس از پایان یافتن چاپ مقالات هستند و این همان انتقادی است که در شماره پنجم از سال چهارم مجله و دو هفته بعد از مرگ فاضل مزبور انتشار یافت و اینک برای تکمیل بحث کتاب شناسی و رفع اشتباه زندگان به توضیح و تقدیم پاسخی بدان باید بپردازد: آقای خزان در این کار خود چندان عجله به خرج داد که در انتظار وصول نوبت برای چاپ مقاله در مجله نماند، بلکه با شتاب، در مطالب آن اندک تجدید نظری کرد و با مقداری جرح و تعدیل به صورت رساله ی زیراکس شده به وسیله پست شهری برای برخی از دوستان و آشنایان خود فرستاد که در ضمن این جانب را هم به دریافت نسخه ای از آن اختصاص داد. مطالب این مقاله و آن رساله بر یک سیاق قلم بند شده و صرف

نظر از برخی کاست و افزوده ها بایـد هر دو را در حکم یک اثر دانست که به دو صورت عرضه شـده باشد. تطبیق ذهنی مطالب این دو نوشته بـا آنچه از آن آشـنای مأسوف علیه در ملاقات شـنیده شـد، شایـد قرینه ای بر توحیـد مأخـذ هر دو اثر محسوب شود. بناء علیهذا از اینکه ناقد سالخورده و مطلع معهود اکنون در قید حیات نیست تا توضیـح و پاسخ این آشـنای ناتوان را به گوش تن بشنود، فوق العـاده متأسف است. عجب است همان اشـتباهی که برای آقایان دکتر داوودی و نواب زاده درباره نظر این جانب راجع به نقطهٔ الکاف پیـدا شـده بود و دایره ی شـمول نقـد را از اسم کتاب و مؤلف به خود کتاب سوق داده بودند برای خزان هم دست داده و از جمع نظر این جانب درباره تاریـخ قـدیم بابیه یا نقطه الکاف و تاریـخ منسوب به نبیل زرنـدی چنین استنباط کرده که هـدف اصـلی نگارنده تردید در اولی و تأیید دومی بوده است. آری این بدگمانی یا سوء تشخیص تا جائی قوت گرفته که نظیر چنین عبارتی را بر زبـان قلم آورده است که پس از قطع و وصل دو قسـمت از هم بریـده عبارات مقاله که هر کـدام جـدا از صورت کامل خود ممکن بوده نقض غرض نگارنـده را در تأئید منظور مخالف نشان بدهد، در رساله زیراکس شده خود چنین می گوید: «ما نمی دانیم علاقه امروز آقای محیط را به معتبر جلوه دادن تاریخ نبیل و کاهش تأثیری که نقطه الکاف در اذهان بخشیده است چگونه می توان توجیه نمود.» آقـای خزان گوئی با کنایه و ابهام میخواهـد مرا هواخواه دسـته مخالف عقیـده خود به ذهن خواننـدگان بیاورد، در صورتیکه مطـالعه سه مقـاله راجع به تاریخ قـدیم و تاریـخ جدیـد و تاریـخ نبیـل، نتیجه بحث و تحقیق را از این گونه کوچک نظری ها و خام اندیشـی ها مبرا و دور می دارد. آقای خزان در مطالعه مقاله تاریخ بینام چنین گمان بدی به نویسـنده برده اند که در صدد کاستن از اهمیت تاریـخ قـدیم بابیه و تقویت زمینه تاریـخ منسوب به نبیل زرنـدی است، در صورتیکه از دقت بیشتری در مطالب همان مقاله و پیش از مراجعه به مـدلول مقـاله مربوط به تاریخ نبیـل، این نکته به خوبی اسـتنباط می گردیـد که نگارنـده را در اصالت متن چاپی تاریـخ قـدیم همچون عـدم اصالت تاریـخ نبیل، تردیدی نبوده است و فرض وجود چنین تاریخی منسوب به نبیل زرندی را با اصالت وجود تاریخی بـدین نام در مقایسه اشتباه کرده انـد. اینک برای جلب اطمینان ایشان و دیگران بار دیگر به صـراحت اعلام می کند که نویسـنده را با صـحت و سـقم و خوب و بـد مطالب تاریـخ قـدیم بابیه کاری نبوده و همین قـدر از پژوهش خود دریافته متنی که برون آن را به اسم نقطه الکـاف و منسوب به «حـاجی میرزا جانی» در ۱۹۱۰ انتشار داد و اصالت آن مورد تردیـد عبدالبها و یارانش در کتاب کشف الغطاء قرار گرفته متنی اصیـل و قـدیمی است که مطالب آن بعـدها در تاریخ جدید (میرزا ابوالفضل) و مقاله سیاح (عبـدالبها) و مطلع الانوار (شوقی افنـدی) چهره و مفهوم و روح وقایع را به تدریـج عوض کرده است و بحث اصـلی ما بر سـر اسم و کیفیت تدوین نسـخه اصـلی و شخصـیت مولف آن بوده که در هر صورتی ابدا به اهمیت مطالب کتاب و اصالت نسخه اساس چاپ برون، خدشه ای وارد نمی کند. مسـلم است که این اضـطراب آقای خزان ناشـی از وضع متقابل روحی پیروان دو برادر نوری اسـت که از ۱۲۸۵ بدین طرف هنوز خوی بدگوئی و بداندیشی و تهمت زدن و بدخواهی یکدیگر را از خود دور نکرده اند و هر دسته ای می کوشـند تا موضوعی را که در آن گمان تامین مصـلحتی برای طرف مقابل باشد، مورد تخطئه قرار دهند و به نویسـنده آن گمان بـد ببرنـد. سـعی خزان در بی اهمیت جلوه دادن اختلاف رقم تاریـخ مقدمه که موسوم به نقطه الکاف بوده و در ۱۲۷۷ بعد از بعثت نوشـته شده است با تاریخ آغاز متن اصـلی که در ۱۲۷۰ بعـد از هجرت قیـد گردیده و حمل آن بر عدم دقت مؤلف در ضـبط ارقام تاریخی آن هم با استشـهاد به رقمی که درباره واقعه شـهادت سیدالشهدا به تقریب ذکر کرده برای اثبات بی دقتی تاریخ نگار، چیره دستی تبلیغی را نشـان می دهـد، در صورتی که چنین امری موقعی می توانست قابـل توجه برای اثبات ارتباط و انسـجام نسـج کتاب واقع شود که مشـکل هم فی الواقع منحصـر به همین یـک فقره باشـد و در میـان نقطه الکـاف یا مقـدمه با «نقطه کافی» که در تاریخ همواره ماننـد شـخص دیگری آن هم بـا لقب «جنـاب» قیـد و ذکر شـده امکـان جمع اوضاع و احوال و مجال ارتباطی وجود داشت. اینکه در مقاله اول نگارنـده قیـد دو رقم ۱۲۶۷ و ۱۲۶۴ برای سـال تألیف کتاب شـده به اعتبار احتساب سالهای فاصـله از هجرت تا بعثت رسول اکرم که در تواریخ و سـیر غالبا سـیزده سال قید می شود، امکان تطبیق ۱۲۷۷ بعثت را با ۱۲۶۴ هجرت فراهم می آورد.

ولی به اعتبار این که مولف به خطا فاصله میان هجرت و وفات حضرت رسول را بر خلاف همه اقوال و روایات سیره نویسان سیزده سال به حساب می آورد. بایستی همان ده سال به شمار آید تا ۱۲۷۷ بعثت با ۱۲۶۷ از هجرت تطبیق کند. در صفحه ۶۳ از نسخه چاپی که مربوط به رساله نقطه الکاف اصلی است می نویسد: درمدت ده سال هفتاد نفر به حضرت ایشان ایمان آورده و بعد می افزاید تا زمانی که حضرت رسالت پناه بعد از مدت ده سال کشیدن جور و ستم زیاد از مکه هجرت فرموده به مدینه تشریف آوردند. آن گاه مطلب را چنین به پایان خود نزدیک می سازد «در مدت سیزده سال گاهی در جنگ و زمانی در صلح و اوقاتی در نشر احکام تا زمانی که شمس نبوت نزدیک به غروب گردیده» از مقایسه این دو قسمت معلوم می شود که حاجی میرزا جانی فاصله میان بعثت را با هجرت به پیروی از سید باب ده سال شمرده آنگاه برای این که از طول مدت بیست و سه سال دوران نبوت چیزی کاسته نشود سه سال بر ده سال فاصله هجرت و وفات آن حضرت افزوده تا حاصل جمع دو رقم غلط او عدد صحیحی باشد. آری، در میان دو عبارت مربوط به واقعه کربلا و تاریخ سال ۱۲۷۰ اختلاف شکل تعبیری دیده می شود که تشبیه آنها را به یکدیگر خردپسند نمی سازد. در مورد تعیین زمان تألیف تاریخ می نویسد: «الحال که هزار و دویست و هفتاد سال از هجرت رسول الله گذشته دین آن سید بشر قوت گرفته» در صورتی که راجع به واقعه کربلا و عظمت آن می گوید: «الحال هزار و دویست سال گذشته است مردم شب و روز بر آن می گریند و کهنه نمی شود.» در صورتی که آغاز گریستن بر شهادت سیدالشهدا در تاریخ عنوان و مبدأ خاصی ندارد که بتواند هزار و دویست سال مرقوم را تخطئه کند. چند عبارتی که حضور مؤلف کتاب تاریخ را در مازندران و آمل می رساند نمی توان دلیل شمرد که این مؤلف حاضر در طبرستان همان حاجی کاشانی مذکور در کتاب است که داستان پنهان شدن ازل و دستگیر شدن خود و اخوی ازل را در آمل برای دیگری روایت نموده است. حاجی کاشانی که پیش از دستگیری در آمل و بعد از آن در طول چهار ماه در خدمت «جناب ازل» می زیسته همان «جناب نقطه کافی» بوده که در صفحه ۲۵۹ از نسخه تاریخ چاپ برون درباره او چنین نوشته شده که جناب بصیر «یا سید کورهندی» وقتی در ۱۲۶۷ ادعای رجعت حسینی کرده و مورد تأیید و تقویت ازل و بها و بر ضدعظیم قرار گرفت پس از آن که تهران و قم را پشت سر گذاشت: «بعد از آن که به ارض کاف (کاشان) تشریف آورده و در منزل جناب نقطه کافی نزول اجلال فرموده – نظر به آن که در ارض نور (مازندران) در خدمت حضرت وحید (میرزا یحیی ازل) و جناب بها مدت چهار ماه هم سرور بودند و از شراب محبت یکدیگر سرمست و خرم در آن بساط عیش ها نمودند خلاصه نقطه کافی را گمان آن بود که مقام خودش از آن جناب (بصیر) عالی تر می باشد. خلاصه آن که اگر چه جناب نقطه کافی به حسب فضل ظاهری و بیان تفضیل مقامات افضل و اعلم بوده ولی آن جناب را چنان انصافی بوده که به محض آن که اشراف و فوقیت اوشان را دانسته به کلی در آن حضرت فانی گردیده با وجود آن که فتنه های ایشان در نهایت، شدید بوده و جوهر فتنه در افعال و اقوال ایشان ظاهر بود و لهذا اکثر اصحاب از آن جناب (بصیر) فراری بودند مع هذا جناب نقطه کافی به عون الله استقامت در محبت ایشان نموده» در این صورت معقول نبوده و نیست که مردی در کتاب خود خویشتن را جناب بخواند بلکه این خود بهترین قرینه است که نویسنده کتاب کسی غیر از حاجی کاشانی یار ازل و بها در مازندران و هم نشین و همدم چهارماهه آن دو برادر در آن سرزمین باشد که در کاشان از سید کور هندی یا بصیر مدعی ظهور حسینی پذیرایی کرده و به او ایمان آورده و در کشمکش میان بصیر و عظیم که خود را جانشین مطاع سید باب می دانست طرف سید اعمی را گرفت چشم از شماتت محتجبین پوشید در صورتی که ازل جانب بصیر را گرفت و توقیعی درباره او صادر کرده بود که به قول صاحب تاریخ قدیم، اختلاف میان اصحاب افکند. این که آقای خزان خواسته اند تعبیر از حاجی میرزا جانی را به حاجی کاشانی راوی و «جناب نقطه کافی» در متن کتاب تاریخ قدیم چنین وانمود سازند که «ظاهرا به این منظور بوده است که از ذکر نام مؤلف احتراز داشته و می خواسته است اذهان را از شناختن مؤلف منصرف سازد و نظیر این معنی در بسیاری از تالیفات دیده شده چنان که در تاریخ محمد قاینی که تلخیص از همین کتاب است قاینی نویسنده را یک نفر سیاح مسیحی معرفی کرده است. اگر در

این کتاب از حاجی کاشانی به هیچ صورت نامی برده نشده بود و آن را با لقب جناب نقطه کافی نمی دیدیم ممکن بود چنین فرضی قابل تصور باشد ولی وقتی نام و عنوان و مختصات او در متن کتاب مشهود است دیگر چنین پنداری در خورد پذیرفتن نخواهد بود. اما آن چه از بابت محمد قاینی و تلخیص او از تاریخ قدیم که نویسنده را سیاح مسیحی معرفی کرده است در نوشته خزان دیده می شود تصور می کنم قدری در خور امعان نظر بیشتر باشد. چه تاریخ قدیم را نخستین بار میرزا ابوالفضل گلپایگانی یا میرزا حسین همدانی یا طهرانی از صورت اصلی خود به صورت تاریخ جدید درآورده بودند سپس نسخه ای از آن به دست ملامحمد قاینی افتاده و چون آن را وافی به غرض بهائیان نیافته در صدد جرح و تعدیل و تصحیح برآمده و این نکته را در پایان نسخه مکتوب در ۱۳۰۰ هجری ذکرمی کند و درباره نویسنده این متن تازه هیچ اشاره ای به نام فردی نکرده بلکه صاحب اثر را از مولف و مصحح به صورت جمع عربی درآورده و مورد انتقاد قرار داده است. اما نویسنده مقدمه کتاب تاریخ جدید را که هر دو روایت مانکجی و قاینی بر یک منوال وارد است باید از زبان میرزا ابوالفضل در رساله اسکندریه او دید که برون در صفحه مطون از مقدمه خود بر چاپ کتاب چاپ کرده است: «مانکجی از میرزا حسین متمنی شد که وی تاریخ حالات بابیه را تصنیف کند. میرزا حسین نزد نامه نگار (میرزا ابوالفضل) آمد و خواهشمند معاونت شد. جواب گفتم که تاریخی از حاجی میرزا جانی در دست است. وی خواهش کرد که نامه نگار فاتحه (مقدمه) آن را بنگارد و راه نگارش را بر او گشاده دارد. این عبد به خواهش او دو صفحه از آغاز کتاب را نگاشت. آقای خزان که بر ترجمه آزاد میرزا آقاخان کرمانی از متن ترکی رساله جلال الدوله و کمال الدوله آخوندوف واقف بوده اند می توانسته اند دریابند که میرزا ابوالفضل این مقدمه را بر منوال آخوندوف از زبان سیاح دروغی نگاشته که برای اظهار بی طرفی نسبت به مسلمان و بابی خود را مسیحی انگاشته ولی در ضمن این کتاب هر چه را آخوندوف بر ضد علمای اسلام پرداخته و میرزا آقاخان به تفصیل آورده در تاریخ جدید نوساخته است. پس مقدمه تاریخ جدید به قلم میرزا ابوالفضل و به تقلید جلال الدوله و کمال الدوله آخوندوف نوشته شده و ملامحمد قاینی عینا آن را رونویس کرده و از خود تصرف ننموده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹